

آب ندارید؛ به ما ربطی ندارد

علی آرمان

■ **شرق:** کمی فکر کنید که ساکن طبقه پنجم یک آپارتمان در خیابان سه‌رودی هستید و یک روز صبح که از خواب بر می‌خیزید با مصرفی با همان آب آشامیدنی دیگر به واحد شما در طبقه پنجم همان آپارتمان نمی‌رسد. به طور طبیعی تعجب می‌کنید. یک ساعت و بعد هم دو ساعت و بعد هم سه ساعت می‌گذرد و خبری نمی‌شود. یعنی باز هم فشار آب در حدی است که نیاز روزانه به آب را بر طرف نمی‌کند. به طور طبیعی بعد از اینکه با همسایها صحبت می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که فقط آپارتمان‌هایی که در طبقه چهارم و پنجم هستند از کمی فشار آب رخ می‌برند برای همین با آاره آب و فاضلاب تماس می‌گیرید. حالا از این گمان خراج شوید. متن زیر، نتیجه مکالمه یک شهروند با اداره آب است:

■ **سلام، خانم بخشید من ساکن یک واحد آپارتمان در منطقه شما هستم، اما امروز فشار آب به گونه‌ای است که نمی‌توان هیچ کاری انجام داد.** در واقع می‌شود گفت آب قطع است.

فقط واحد شما این مشکل را دارد یا واحدهای دیگر هم از کمبود آب رنج می‌برند؟

■ **واحدهای دیگر هم این مشکل را دارند. هم طبقه چهارم و هم طبقه پنجم گرفتار کمبود فشار آب است.** ببینید بر اساس یک آیین‌نامه تقریباً قدیمی به دولت و اداره آب ربطی ندارد که آب به طبقات چهارم به بالا نمی‌رسد.

■ **آی یعنی چی؟**

یعنی اینکه به ما ربطی ندارد.

■ **آی اگر این‌گونه است تکلیف ما چیست. تقریباً آب آپارتمان از طبقه چهارم به بالا قطع است.**

گفتم که به ما ربطی ندارد. دولت مسوول رساندن آب به طبقات چهارم به بالا نیست. ما فقط ضمانت فشار آب برای طبقات اول تا سوم را داریم.

■ **پس برای چی مجوز ساخت می‌دهید؟**

با مباحث تکنیک، حوصله نداریم. همین که گفتم به ما ربطی ندارد که فشار آب در طبقات چهارم به بالا چگونه است، بروید یقه یکی دیگه را بجسید. دولت مسوول آبرسانی به سه طبقه است.

■ **خب اگر این‌گونه است...**

بوق... صدای قطع تلفن!

این فقط یک گفت‌وگو بود که شاید طی روز زیاد بین مردم و سازمان‌ها و ادارات دولتی رخ می‌دهد. نتیجه‌گیری اخلاقی آن نیز چیزی نیست جز اینکه: به ما ربطی ندارد.

خبر

استعفاي پير صادرات از سمت‌هايش در اتاق

عسکراولادی: من به همه آرزوهایم رسیده‌ام

■ ایستة اسدالله عسگرآولادی، پیشکسوت بخش صادرات ایران که خیلی‌ها او را به عنوان سلطان پسته ایران می‌شناسند از سمت‌های خود در اتاق‌های مشترک به جز ایران و چین و کنفدراسیون صادرات استعفا کرد. این فعال بخش خصوصی در این مورد با ادبیات خاص خودش گفت: «من اسدالله عسگرآولادی هستم و خوشحالم که انتخابات بسیار مهمی در اتاق ایران انجام شد و من در این انتخابات به ۹۹ درصد آرزوهای خود رسیدم.» وی ادامه داد: «من آرزو داشتم از صدارتی‌ها در هیات ریسه‌ای اتاق ایران حضور داشته باشم که خدا را شکر، دو نفر رفتند. آرزو داشتم از تشکله‌ها در هیات‌ریسه‌ها حضور داشته باشم که خدا را شکر، دو نفر رفتند. آرزو داشتم به اتاق‌های شهرستان‌ها و استان‌ها اعتنا شود که خدا را شکر، چهار نفر در هیات ریسه‌ها اتاق ایران از اتاق‌های شهرستان‌ها رفتند و دلم می‌خواست اتاق ایران یک رییس قوی، مقتدر، دانا و پویا داشته باشد که آقای نهلوندیان این صفات را دارد.» وی اضافه کرد: «من به همه آرزوهایم رسیدم، منهای خودم که یک روز آمدم و اقتضای سنین این است که به تاریخ اتاق بپیوندم و این واقعیتی است. من به دلیل آسایش بیشتر و احترامی که برای خانواده‌ام قابل هستم از اتاق‌های مشترک امروز استعفا کردم.» عسگرآولادی تصریح کرد: «البته چون در اتاق ایران و چین برنامه‌های دارم، استعفا نکردم اما از اتاق‌های مشترک ایران و روسیه، ایران و استرالیا، ایران و کانادا، انجمن مشترک ایران و کنفدراسیون صادرات اتاق ایران استعفا کردم.» وی در مورد عضویت در اتاق بازرگانی تهران و ایران نیز عنوان کرد: «برای آنجا هیچ مشکلی ندارم و در جلسه اتاق تهران و ایران می‌آیم و من هنوز حالم خوب است. فکر نکنند که من مثلاً خدای ناکرده شکست خوردم، این کار را می‌کنم. من دیگر به آرزوهایم رسیدم، خودم باشم یا نباشم آرزوهایم حاصل شده است.» عسگرآولادی با تصریح اینکه استعفاي وی دلیل خاصی نداشته است، یادآور شد: «آدم بالاخره روزی می‌آید و روزی می‌رود، من ۲۲ سال در اتاق خدمت کردم و دیگر کافی است. من در اتاق ایران و روسیه ۲۷ سال خدمت کردم که کافی است. در اتاق ایران و استرالیا ۱۳ سال خدمت کردم که کافی است، اما در اتاق ایران و چین ۹ سال خدمت کردم و هنوز زود است استعفا بدهم.» وی متذکر شد: «این‌ها به انتخابات اتاق ایران مربوط نیست و در آن انتخابات به اهداف خودم رسیدم.» این فعال اقتصادی ۷۹ ساله در انتخابات دوره هفتم اتاق بازرگانی تهران برخلاف دوره‌های قبل از یاران قدیمی خود جدا شد و با تشکیل گروهی به عنوان یک رقیب برای دوستان قدیمی خود در انتخابات دوره هفتم اتاق بازرگانی تهران حاضر شد. وی هرچند در انتخابات اتاق بازرگانی تهران با کسب ۷۲۲ رای نفر چهارم اتاق تهران شد، اما در انتخابات هیات‌ریسه اتاق ایران نتوانست موفق شود.

نگاهی به افت و خیز سیاست‌های پولی کشور

سایه سیاست بر سر بانک مرکزی



راشل آرمایان: تقریباً از زمان انتخاب محمود بهمنی به عنوان رییس کل بانک مرکزی، تصمیم‌گیری این بانک وارد فاز جدیدی شده است که شاید بتوان گفت تنها ویژه رییس کل فعلی است و شاید هیئت‌نکته اخیر هم بود که مدت صدارت وی بر این نهاد که البته بالاترین مقام تصمیم‌گیر در این بانک بوده، دواپاره بخشده و همین دلیل فرمان کاهش سرمایه تأسیس بانک‌های افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها و تأمین منابع مالی پروژه‌های مصوب دولت صادر شد. بنابراین سرمایه اولیه بانک در مناطق آزاد از ۲۰۰میلیارد تومان به ۱۰۰میلیارد تومان و در سرزمین اصلی از ۲۵۰ میلیارد تومان به ۲۰۰ میلیارد تومان کاهش یافت. اما نه تنها نظر بانک مرکزی تأمین نشد بلکه هجوم برای تأسیس بانک هم آغاز شد. این‌بار بانک مرکزی در اقدامی از بانک‌ها خواست تا سرمایه خود را به ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش دهند و با این اقدام بانکداران را دچار سردرگمی کرد و خود نیز کنار کشید. حتی از این طریق توانست بسیاری از تقاضاهای تأسیس بانک را به طور خودکار از رده خارج کند. اگر به حوادث اخیر نیز توجه کنیم از این دست سیاست‌ها به وفور به چشم می‌خورد. نرخ سود بانکی از آنهاست. رییس کل بانک مرکزی هر ساله بی‌هیچ مقاومتی تسلیم رای شورای پول و اعتبار مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی می‌شود غافل از آنکه تصمیمات غیر کارشناسی و دستوری بالاخره تأثیر منفی خود را بر اقتصاد خواهند گذاشت. حال که تأثیرات منفی چنین تصمیماتی هویدا شده رییس کل می‌خواهد رای شورای پول و اعتبار را با ارایه گزارش اصلاح کند اما شورا به دلیل ترکیب دولتی و بخشی‌نگری واقعی به نظر و حتی گزارش کارشناسی بالاترین مقام پولی ننهاد. در نتیجه این شد که وضع بازارهای سکه و طلا این‌گونه رقم بخورد. هزاران نمونه دیگر از این‌گونه اقدامات می‌توان مثال زد که در دوره ریاست بهمنی چنان شدت یافته‌اند که گویی بانک مرکزی دچار سرگیجه شده است و امید به یاری دیگران دارد. به نظر می‌رسد بهمنی به عنوان رییس کل بانک مرکزی دچار روزمرگی شده و برنامه بلندمدتی مانند سایر بانک‌های مرکزی ندارد و منتظر است تا ببیند هر آنچه را که به مذاق دولتی‌ها خوش می‌آید، اجرا کند. شاید بخشی از تلاطم‌های بازار ارز نیز که گفته شد با هدف تأمین کسری بودجه دولت در پیش گرفته شده است تحت تأثیر سایه سنگین سیاست بر بانک مرکزی باشد چرا که اگر نگاه اقتصادی بر این بانک حاکم بود بهمنی دیگر تن به برخی خواسته‌ها که مبنای اقتصادی ندارند، نمی‌داد و او نیز چنین دیگران که عطای بانک مرکزی را به نقایش بخشیدند، می‌رفت و دوباره، چون دیگران اسطوره هم

اقتصاد

نکاهی به افت و خیز سیاست‌های پولی کشور

گاهی اوقات سیاست‌ها در اقتصاد ایران آنقدر درهم می‌پیچند که می‌توان گفت شاید سیاست‌گذاران نیز نمی‌دانند در اقتصاد کشور چه خبر است یا سیاست‌های آنها به طور مشخص برای چه هدفی تدوین می‌شوند؟ اوضاعی که در چند وقت گذشته بر شبکه بانکی حاکم بوده، صدقات این ماجراست. مسوولان دولتی اقتصاد چند سال پیش در راستای سیاست‌های ضربتی خود نرخ سود بانکی را کاهش دادند و در آن شرایط بر خلاف اظهار نظر اکثر کارشناسان اقتصادی پا در کشش خود کردند که باید نرخ سود کاهش یابد. در آن روزها کارشناسان از این اتفاق با عنوان پدیده‌ای یاد کردند که مسیر فرار سپرده‌های مردم را از شبکه بانکی فراهم می‌کند و حتی زمینه زمینگیر شده بانک‌ها را فراهم می‌کند؛ با این وجود اما اتفاقی رخ نداد و نه‌ایست نرخ نیز سود سپرده‌های کاهش یافت. در چند روز گذشته که بازار سکه و ارز به هم ریخت و نقدینگی سرگردان مردم برای همه بازارها جز بازار رسمی پول کشور چراغ سبز روشن کرد، یکبار دیگر مدیران دولتی اقتصاد به این نتیجه رسیدند که باید نرخ‌های سود را دوباره دستکاری کرد منتها این بار باید آن را افزایش داد. به عبارتی، رییس کل بانک مرکزی در اقدامی تازه پذیرفت که کاهش یک شبه نرخ سود اشتباه بوده و حالا باید یک شبه آن را افزایش داد؛ درست شبیه بلایی که بر سر نرخ دلار نازل شد. یک شبه نرخ دلار افزایش یافت و بعد از آن در چند روز گذشته هر روز مسوولان بانک مرکزی از کاهش پلکثانی آن خبر می‌دهند. اما به نظر می‌رسد در مورد نرخ سود مسوولان دولتی می‌خواهند این بار برای ثبات در سیاست‌گذاری‌های استنادگی کنند و مسیر افزایش دوباره نرخ سود را مسدود کرده‌اند. دیروز محمد نهلوندیان از رای مجدد شورای پول و اعتبار به عدم افزایش نرخ سود سپرده‌ها خبر داد و گفت که این پرونده بسته شده است. به نظر می‌رسد ایستادگی برای ثبات سیاست‌ها، اتفاق خوبی است ولی مسوولان دولتی در شرایطی اقدام به ایستادگی کرده‌اند که به اعتراف کارشناسان اقتصادی بازار نیازمند افزایش نرخ‌های سود سپرده است. در واقع چند سال پیش که نباید نرخ‌های سود کاهش می‌یافت، این اتفاق رخ داد و حالا که باید نرخ‌های سود افزایش یابد مسیر صعود آنها بسته شده است. به نظر شما در اقتصاد ایران چه خبر است؟

اختلاف قیمت سکه بالا گرفت

شرق: اختلاف قیمت سکه‌ها در بازار رسمی و غیررسمی بالا گرفت. دیروز در حالی که طلافروشان بهای هر قطعه سکه تمام بهار آزادی طرح جدید را از: ۴۲۰ تا ۴۳۴ هزار قیمت می‌دادند، این سکه در بازار رسمی یا به عبارتی در شعب بانک ملی ۴۴۳ هزار و ۵۲۰ تومان عرضه می‌شد. هرچند که ۱۷ هزار و ۶۰۰ تومان از این رقم در قالب مالیات بر ارزش افزوده از متقاضیان دریافت می‌شد اما خریداران این سکه از بانک ملی باید ۴۴۳ هزار و ۵۲۰ تومان برای خرید هر قطعه سکه پرداخت می‌کردند که این رقم با قیمت‌های عصر روز گذشته در بازار آزاد، اختلافی ۱۳ هزار تومانی را تجربه کرده و با قیمت‌های دیروز صبح اختلافی ۱۰ هزار تومانی را به نمایش می‌گذاشت. دیروز همچنین هر سکه نیم بهار آزادی نیز به قیمت پایه ۲۱۳ هزار و ۵۰۰ تومان و با احتساب فشار ۲۴۰هزارتومان مالیات بر ارزش افزوده به قیمت ۲۲۲ هزار و ۷۰۰ تومان به متقاضیان فروخته شد. این در حالی بود که این سکه نیز در بازار آزاد ۲۱۶ هزار تومان قیمت داشت. این در حالی بود که ربع سکه بهار آزادی نیز با قیمت پایه ۱۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان و چهار هزار و ۷۰۰ تومان مالیات، به قیمت ۱۲۲ هزار و ۲۰۰ تومان به دست مشتریان توسط شعب بانک ملی می‌رسید و مشتریان برای خرید این سکه از بازار آزاد باید ۱۲۴ هزار تومان می‌پرداختند. تشدید اختلاف قیمت سکه‌ها در بازار آزاد و دولتی در حالی است که به نظر می‌رسد واکنش بازار آزاد به نوسانات جهانی ارزش طلا بیشتر بوده و بازار آزاد با حساسیت بیشتری کاهش ارزش طلا در بازارهای بین‌المللی را پیگیری می‌کند، چراکه هم‌زمان با افزایش ارزش دلار در مقابل سایر ارزهای معتبر که به کاهش ارزش طلا منجر شده است، بازار سکه‌ها راه ارزانی را در پیش گرفته و بیش از نرخ‌های دولتی کاهش قیمت یافته است. در روزهای گذشته هر اونس طلا در بازارهای جهانی از هزار و ۵۴۲ دلار در معاملات روز چهارشنبه به هزار و ۵۰۴ دلار در معاملات روز جمعه رسیده که کاهش ۴۰ دلاری را در این سر روز همراه خود می‌بیند. این کاهش ارزش طلا در بازارهای جهانی راهی برای گریز از ارزانی را برای بازار طلای کشور باقی نگذاشت و حتی گران‌تر بودن قیمت سکه‌ها در بانک ملی به نسبت بازار آزاد نیز جلوی ارزان شدن قیمت سکه‌ها در بازار آزاد را نگرفت و واکنش‌های سریع بازار آزاد به ارزانی‌های بازار جهانی را به نمایش گذاشت.

دیروز همچنین هر مثقال طلای ۱۹ عیار از سویی طلافروشان ۲۰۳ هزار و ۷۲۰ تومان قیمت داده می‌شد و هر گرم طلای ۱۹ عیار نیز ۴۴ هزار و ۲۹۰ تومان خرید و فروش شد.

قیمت هر مثقال طلای ۲۰ عیار هم ۲۱۴ و ۸۲۰ تومان بود و قیمت هر گرم طلای ۲۰ عیار نیز ۶۳ هزار و ۷۰۰ تومان قیمت داشت. همچنین هر مثقال طلای ۲۱ عیار هم ۲۲۵ و ۶۴۰ تومان بود که به تبع آن قیمت هر گرم طلای ۲۱ عیار ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان به دست مشتری می‌رسید. این در حالی بود که قیمت هر مثقال طلای ۲۴ عیار نیز ۲۵۷ هزار و ۸۷۰ تومان از سویی طلافروشان قیمت داده می‌شد و هر گرم آن نیز ۵۶ هزار و ۶۰۰ تومان به فروش رفت.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
شاخص کل	۲۵۰۳۳۷/۵	۶/۱۰۲+
شاخص ۳۰ شرکت بزرگ	۱۵۶۳۹/۹	۷/۱-
شاخص آزاد شناور	۳۳۲۱۰	۱۳۷/۲-
شاخص بازار اول	۲۱۳۸۰	۹۰/۶-
شاخص بازار دوم	۲۹۱۵۶/۴	۸۹-
شاخص صنعت	۱۹۳۴۴/۶	۶۹-

پرونده افزایش نرخ سودسپرده‌ها بسته شد

آش شور اقتصاد



دیروز عضو شورای پول و اعتبار از رای منفی این شورا به تغییرات نرخ سود سپرده‌ها بر اساس پیشنهاد بانک مرکزی خبر داد و گفت: جایز نیست که مرک یک سیاست خشک نشده دستخوش تغییرات قرار گیرد. محمد نهلوندیان با اشاره به جمع‌بندی شورای پول و اعتبار در جلسه اخیر خود مبنی بر توقف تغییر در نرخ سود بانکی بسته سیاستی پولی و مالی بانک مرکزی برای سال ۹۰ به مهر گفت: اگرچه نرخ‌های جدید سود در این جلسه پیشنهاد شده ولی با بحث مفصلی که صورت گرفت، اعضای شورا تأکید بر این داشتند که همان مصوبه قبلی برای نرخ‌های سود عملیاتی شود. عضو شورای پول و اعتبار افزود: بر این اساس قرار بر این شد که اقدامات لازم از سوی بانک مرکزی برای هماهنگ کردن بانک‌ها در اجرای مفاد این بسته صورت گیرد. وی دلیل این تصمیم شورای پول و اعتبار را توضیح داد و تصریح کرد: به نظر می‌رسد معقول نباشد که هنوز مرک سیاستی خشک نشده آن سیاست دستخوش تغییرات قرار گیرد، البته جهت‌گیری در این راستا این بوده است که هزینه مالی در اقتصاد ایران باید کاهش یافته تا قیمت تمام‌شده تولیدات نیز به تبع آن تقلیل یابد. این جهت‌گیری مورد تأکید مجدد بانک مرکزی قرار گرفت.

נהلوندیان در پاسخ به این سوال که تصور عمومی این است که با پایین‌آمن نرخ سود بانکی، میزان سپرده‌گذاری هم کاهش یافته است، اظهار داشت: آماري که بانک مرکزی در زمینه سپرده‌گذاری‌ها از ابتدای سال تاکنون ذکر کرده نشانگر صیح نبودن این تصور است. میزان سپرده‌های بانکی در سه ماهه اول سال ۹۰ رشد را نشان می‌دهد. وی خاطرنشان کرد: اگر بخواهیم در کاهش تورم جدی باشیم، باید روی تک‌تک مولفه‌های کاهش قیمت کار کنیم که یکی از آنها، تأمین مالی است. تغییری هم که در این بسته صورت گرفته، تغییر مختصری است و به نظر می‌رسد چنین آثاری به پایین آمدن نرخ سود بر نمی‌گردد؛ بلکه باید علت دیگری را جست‌وجو کرد.

به اعتقاد رییس پارلمان بخش خصوصی، رابط‌ای جدی میان نرخ سود سپرده و تسهیلات وجود دارد، به این معنا که اگر نرخ سود سپرده بالا برده شود، بانک‌ها نیز فشار وارد خواهند کرد که نرخ سود تسهیلات هم بالا رود. البته کاهش نرخ سود سپرده هم مختصر بوده و قابل توجه نیست.

دلار در سراسیابی سقوط

شرق: با ادامه‌دار شدن روند کاهش نرخ مرجع ارز توسط بانک مرکزی، به نظر می‌رسد بهای دلار در بازار آزاد کمی سلیقه‌ای شده است. بهای دلار در بازار آزاد از سوی صراف‌ها هزار و ۱۲۵ تومان قیمت داده شده، این در حالی بود که برخی از خبرگزاری‌ها قیمت پـول واحد ایالات متحده در بازار آزاد را هزار و ۱۵۶ تومان گزارش می‌کنند. همچنین یکی از صرافان چهارراه استقلول در این خصوص به «شرق» می‌گوید: دیروز قیمت هزار و ۱۵۶ تومان برای فروش دلار نمایشیم و نمی‌توانم صرافانی که این قیمت‌ها را به این خبرگزاری‌ها داده‌اند، این قیمت را از کجا آورده‌اند. وی ادامه می‌دهد: قیمت دلار صبح دیروز حدود هزار و ۱۴۰ تا هزار و ۱۲۵ تومان بود و دیروز بعازظهر ارزش این ارز به هزار و ۱۲۵ تومان رسید که نشانی از رقم‌هایی که خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند، ندارد. روند کاهشی ارزش دلار که در نخستین روز هفته جاری نیز با بازار دلا همراه بود، در حالی ادامه‌دار شده است که در روزهای گذشته و در پی تثبیت نرخ بهره آمریکا در روز چهارشنبه و فروش کردن بحران اقتصادی آمریکا ارزش دلار افزایش پیدا کرده و در بازارهای جهانی این ارز خود را قدرتمند کرده است، اما در بازار تهران این روند، نزولی بوده و ارزش دلار رو به کاهش است تا جایی که اختلاف قیمت دلار در بازار رسمی و غیررسمی از این تهران به ۵۰ تومان رسیده است. این در حالی است که در بازارهای جهانی رویه کمی با بازار ارز تهران فرق دارد و براساس آن، فرانک سوئیس در برابر ۱۶ ارز بزرگ هم‌تایش صعود کرد و به رکورد بالا کم سابقه‌ای در برابر یورو رسید، زیرا سرمایه‌گذاران با این نگرانی که برنامه ریاضت برای ثبات یونان، بحران بدهی دولتی اروپا را حل نخواهد کرد، به دنبال پناهگاه امن هستند. به گزارش ایستنا به نقل از بلومبرگ، دلار برای سومین هفته که طولانی‌ترین مدت از ماه فوریه به است، با این احتمال که پارلمان یونان ممکن است طرح جورج پاپاندرو، نخست‌وزیر این کشور برای کاهش کسری بودجه را رد کند، در برابر یورو صعود کرد. پوند انگلیس نیز پس از صحبت‌های سیاست‌گذاران این کشور برای اقدامات محرک پولی بیشتر، برای چهارمین هفته در برابر دلار سقوط کرد. فرانک روز گذشته به ۱/۱۸۰۶ فرانک سوئیس در برابر یورو رسید که قوی‌ترین سطح از زمان معرفی شدن این ارز واحد در سال ۱۹۹۹ بود. ارزش این ارز ۲/۶ درصد در یک هفته گذشته رشد کرد و به ۱/۸۲۶ فرانک در برابر هر یورو رسید که بیشتر از ۱/۲۱۲۴ فرانک در برابر هر یورو در ۱۷ ژوئن است. فرانک همچنین با ۱/۸ درصد رشد از ۸۴/۸۲ سانتیم در برابر هر دلار در یک هفته قبل، به ۸۳/۳۱ سانتیم در برابر هر دلار رسید. ارز آمریکا ۰/۸ درصد صعود کرده و به ۱/۴۳۰۶ به ۱/۴۱۸۸ دلار در برابر هر یورو رسید. دلار همچنین برای نخستین بار در پنج هفته گذشته ۰/۵ درصد در برابر ارز ژاپن افزایش یافته و به ۸۰/۰۵ به ۸۰/۴۴ می‌رسید. یورو برای سومین هفته متزلزل‌شده، ۰/۳ درصد در برابر ین کاهش یافته و به ۱۱۴/۱۳ ین رسید. شاخص دلار کنتیننتال اکسچنج که ارز آمریکا را در برابر ارزهای شش شریک تجاری بزرگ این کشور بررسی می‌کند، برای سومین هفته صعود کرد و ۰/۸ درصد ترقی، به ۷۵/۵۸۳ رسید.

ارز	قیمت (تومان)	تغییر (تومان)
دلار آمریکا	۱۱۳۵	۳۰-
یورو	۱۶۴۵	۳۰-
پوند	۱۸۹۸	۵۲-
دلار کانادا	۱۲۳۳	۲-
یکصدین ژاپن	۱۱۴۰	۲۵-
درهم	۳۲۰	۵-

یادداشت

سوداگران را به بازار سکه هل دهید

محمد شهاب*

■ افزایش نرخ ارز، سودی برای کاهش سوداگری در بازار ارز در پی نداشت. این نتیجه می‌تواند نتیجه دیگری را به دست دهد و آن این است که به علت مشابه علت تحقق یافتن نتیجه اول، افزایش نرخ بهره هم سوداگری را کاهش نخواهد داد. نتیجه آنچه از اقدام افزایش نرخ ارز حاصل شد، این بود که عوامل دیگری برای تشویق سوداگران در اقتصاد ایران وجود دارد که به همین راحتی و با تغییر ساده قیمتی از بین نخواهند رفت. حال این عوامل چه هستند بحث دیگری است و اینکه هم اکنون بانک مرکزی چه باید بکند بحثی دیگر که این مقاله به آن خواهد پرداخت. به عقیده نگارنده بهترین گزینه برای مشغول نگه داشتن سوداگران، بازار سکه است، سوداگری در بازار سکه عواقب تورمی ندارد و جامعه را تحت فشار قرار نمی‌دهد هر چند که سوداگری مانع توسعه اقتصادی است (ایجاد درآمد کاذب در جامعه) ولی در شرایط فعلی اقتصاد ایران، اقدام اصلی برای ریشه‌کن کردن سوداگری در بلندمدت نتیجه خواهد داد و فعلا علاوه بر اقدام بلندمدت باید به دنبال اقدام کوتاهمدتی گشت که کمترین آسیب را به جامعه بزند بنابراین نباید شتاب زده برای حذف کامل آن اقدام کرد چرا که نتیجه اقدام شتاب زده برای حذف سوداگران در کوتاه مدت (به عنوان نمونه افزایش نرخ ارز) نه تنها نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت بلکه منجر به توسعه بیشتر سوداگران شده و آنها را چاق و فریفته نیز می‌کند. به بیان دیگر اقدامات کوتاه مدتی که تاکنون صورت گرفته است به جای آنکه به ضرر سوداگران باشد به نفع آنها شده است. به هر حال در شرایطی صحبت می‌کنیم که فعلا صحبت از حذف سوداگری امکان‌پذیر نیست و این را باید به زمان و اقدامات بلند مدت اقتصادا سپرد. در چنین شرایطی باید سوداگران به بازاری هل داده شوند که کمترین ضرر به جامعه و بخش‌های تولیدی وارد شود. سوداگری در ارز به نفع بخش تولیدی نیست چرا که ارز را کمیاب کرده و دسترسی به عنصر حیاتی بخش تولیدی را برای بنگاه‌های تولیدی سخت می‌کند. سوداگری در بخش خصوصی مانند مسکن نیز تورم‌زا خواهد بود چرا که معنای دیگر سوداگری ایجاد تقاضای کاذب است و این بر همگان واضح است. افزایش تقاضا هر چند هم که کاذب باشد (سوداگران به دنبال خانه‌دار شدن نیستند) عامل افزایش قیمت‌ها خواهد بود. در این میان عده‌ای معتقدند ورود سوداگران به بازار پول از طریق افزایش نرخ بهره می‌تواند منابع اعتباری بنگاه‌ها را تجهیز کرده و در نهایت به نفع جامعه و بخش‌های تولیدی واقع شود. در جواب باید این‌گونه گفت اولا معلوم نیست که افزایش نرخ بهره سوداگری را کاهش دهد، همان‌طور که افزایش نرخ ارز در بازار نیز نتوانست این کار را انجام دهد علت این امر هم، تبدیل شدن مردم به سوداگران به علت عدم توجه به توسعه دانش و تحقیق و توسعه است. پس اندازکنندگان به متقاضیان پول تبدیل شده‌اند چرا که این لازمه شغل سوداگری است. به بیان دیگر سوداگر کارش تقاضای پول برای خلق بیشتر پول از طریق به‌کار انداختن پول در فعالیت‌های سوداگرانه است و بنابراین ادبیات صحبت بسا سوداگران کلاما متضادوت با مردم عادی است که از طریق کار به درآمد می‌رسند و لذا این سوداگران نیست که به پس‌اندازکننده تبدیل می‌شود (چرا که شغل‌اش این اجازه را به وی نمی‌دهد، بلکه این مردم عادی هستند که نقش عمده‌ای در پس‌انداز دارند و پس‌انداز آنها نیز وابستگی چندانی به نرخ بهره ندارد. در هر حال گفته شد که سوداگران باید به بازار مطمئن هل داده شوند، بازاری که کمترین ضرر را داشته باشند، گفته شد که ورود سوداگران به بازار حقیقی بسیار زیانبار و خسارت‌بار خواهد بود چرا که تسورم را بر جامعه تحمیل خواهد کرد، همچنین گفته شد که ورود سوداگران در ارز بخش‌های تولیدی را با گرانی و کمبود ارز مواجه خواهد کرد که باز هم برای اقتصاد ایران که وابسته به ارز برای کالاهای اساسی و استعفا است حکم ورشکستگی بخش‌های تولیدی را دارد. در مورد بازار پول بحث شد و تاکنون این نکته گفته شده است تشویق به ورود سوداگران به بازار پول از طریق افزایش نرخ بهره عملی نخواهد شد و رفقا هم می‌شود عملی شود بحران مالی گریبانگیر بانک‌های ما خواهد شد و علت آن هم تغییر نگرش سوداگران خواهد بود. ورود سوداگران به بازار پول نودیدبخش بحران مالی در آینده برای اقتصاد ایران خواهد بود، چرا که حجم عظیم منابع نگهداری شده توسط سوداگران در بانک به علت تغییر نگرش رفتار سوداگران به بانک به رفقا اثرات آزار دهنده ایجاد خواهد کرد و کشور بررسی می‌کند، برای سومین هفته صعود کرد و ۰/۸ درصد ترقی، به ۷۵/۵۸۳ رسید.

*کارشناس ارشد اقتصادی